

سوء استفاده از قدرت سوء استفاده ایست که پدر از فرزند خود میکند .  
 قانون مجازات عمومی ایران در ماده ۲۸ مورد تحریک را بطور مطلق ذکر کرده است و ظاهراً به هر قسم تحریک اطلاق میشود در صورتیکه قانون فرانسه آنرا بموارد معینه محدود نموده است از جمله چنین بنظر میرسد که نصیحت و پند مطابق قانون ایران طبق بند ۱ ماده ۲۸ موجب معاونت است حال آنکه در قانون فرانسه چون خارج از مصادیق تحریک مذکور در ماده ۶۰ است معاونت محسوب نمیشود در این مورد دعوائی در یکی از محاکم فرانسه مطرح شده که ذکر آن خالی از فایده نیست .

بطوریکه متذکر شدیم مبارزه بر ضد سقط جنین که موجب کاهش نفوس کشور است در فرانسه خیلی شدت دارد و از لحاظ اهمیت حیاتی آن جلب توجه قوه مقننه و قوه قضائیه را کرده است . قوه قضائیه بسهم خود سعی دارد که مفهوم شروع باجرا را در سقط جنین توسعه دهد تا بتواند کوچکترین عملی را که به توالد و تناسل خلل وارد میآورد محکوم نماید و بهمین منظور کوشش میکند مجرکین آنرا که تقصیرشان بیش از اشخاص تحریک شده است مجازات نماید . باوجود رویه شدیدتی که قوه قضائیه در مورد سقط جنین اتخاذ کرده است چنین اظهار نظر نموده که نصیحت عاشق به معشوق خود دایر بر اینکه بوسیله تزریق سقط جنین نماید چنانچه مؤثر هم واقع شود موجب معاونت جرم پند دهنده نمیشود ولی بر عکس اگر عاشق برای مصمم ساختن معشوقه به سقط جنین و جوی زائد بر مخارج لازمه برای اینکار باو بدهد و حتی تهدید کند که در صورت عدم اقدام به سقط جنین او را برای همیشه رها خواهد کرد ، گفتار و رفتار او که مقرون با تطبیع و تهدید است معاونت در جرم تلقی میشود .

موازین منطقی شدید چنین حکم میکنند که مجرک جرم چون ابتکار دارد باید مجرم اصلی محسوب گردد و مباشر اعمال مادی معاون جرم تلقی شود .  
 استاد و ابر معتقد است عناوین مجرم اصلی و معاون را همانطوریکه ماده ۶۰ معین کرده باید حفظ کرد و مفاهیم آنها را واژگون نساخت زیرا عامل مادی که تمام عملیات اجرایی را انجام داده اگر هم تحت القاء مکر دیگری واقع شود فاعل اصلی جرم محسوب میشود .

قوانین بعضی از کشورها بجای اینکه محرك را در طبقه معاونین قرار دهند طبقه مستقلی قرار داده و تابع مقررات خاصی کرده‌اند .

ممکن است محرك را بچشم فاعل معنوی نگریسته و مقرراتی متناسب تحت همین عنوان برای او وضع نمود این نظریه در حقوق موضوعه فرانسه و ایران مصداق دارد از این قبیل است مواد ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۲ :

ماده ۱۹۸ : « هر کس شخصاً یا بتوسط دیگری طفلی را که به سن هفت سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمیباشد در جایی که خیالی از سکنه است رها کند بحبس تأدیبی از ششماه تا دو سال محکوم خواهد شد . »

ماده ۲۰۰ : « هر کس شخصاً یا بتوسط دیگری طفلی را که بسن هفت سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمیباشد در آبادی رها کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا يك سال محکوم خواهد شد مشروط بر اینکه طفل یا شخص عاجز در تکفل فاعل بوده باشد . »

ماده ۲۰۲ : « هر کس شخصاً یا توسط دیگری طفلی را که به سن شانزده سال نرسیده است بدزد یا بحیله یا با کراه بر باید یا مخفی کند جزای او حبس تأدیبی از يك تا سه سال خواهد بود و اگر آن طفل دختر باشد جزای مرتکب حبس مجرد از دو تا پنجسال خواهد بود و اگر ر بودن طفل مذکور بدون حیله و اکراه بوده است مجازات مرتکب از ششماه تا دو سال حبس تأدیبی است . »

در این مواد مقنن با اداء جمله « هر کس شخصاً و یا بتوسط دیگری ، آمو مباشر را در ردیف فاعل قرار داده و برای هر دو يك مجازات معین نموده است .  
بعدها خواهیم دید که پاره از مصنفین ، مسئولیت جزائی بعضی اشخاص را از جهت عمل دیگری مبتنی بر مفهوم « فاعل معنوی ، نموده‌اند .

یکی از معایب سیستم فرانسه دائر بر قبول تحريك ، بعنوان معاونت ساده این است که اگر تحريك مؤثر واقع نشود تحريك کننده بواسطه فقدان عمل اصلی بدون مجازات خواهد ماند .

برای جبران معایب سیستم فرانسه و اصلاح آن، مقنن تحریک را در بعضی فروض بعنوان یک جرم مستقل و خاصی محسوب داشته تا اگر هم مؤثر واقع نشود قابل مجازات باشد. طریقه قانون مجازات عمومی ایران که از روش فرانسوی اقتباس شده دارای همان معایب میباشد و مقنن ایران مجبور شده در بعضی موارد جرم تحریک را جرم مستقل و خاصی محسوب دارد از این قبیل است ماده ۶۹ و ماده ۷۰ و ماده ۷۶ و قسمت اول بند ۱ ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی.

ماده ۶۹: « هر کس اهالی مملکت را صریحاً تحریص به مسلح شدن برضد حکومت ملی بنماید محکوم به حبس مجرد از سه تا پنج سال خواهد بود و اگر تحریص او مؤثر واقع نشده جزای او از شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی است.»

ماده ۷۰: « هر کس اهالی را بچنگ و قتال با یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل در بعضی از نواحی گردد محکوم باعدام است و اگر تحریکات فقط بساعت نهب و غارت گردد جزای او از سه تا پنج سال حبس با اعمال شاقه است و در صورتیکه تحریکات او مؤثر واقع نشده باشد محکوم به تبعید است جزای کسیکه مدیریت دسته یا جماعتی را که مرتکب جنایات مذکوره در این ماده و ماده قبلی شده اند دارا بوده جزای محرک است.»

ماده ۷۶: « هر کس دستجات مذکوره در ماده قبل را اداره کرده یا تحریک نماید یا تشکیل کند یا برای آنها عالماً عامداً اسلحه یا آلات یا ادوات جنایت تدارک نماید یا مدد بفرستد یا با رؤساء فرماندهان آنها مواضعه داشته یا برای آنها مسکن و پناهگاه یا محل اجتماع تهیه کند بحبس با اعمال شاقه از سه تا هشت سال محکوم خواهد شد.»

ماده ۲۱۱: « اشخاص ذیل بحبس تأدیبی از ششماه تا سه سال و بتأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰ ریال جزای نقدی محکوم میشوند.»

۱ - کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و انث بفساد اخلاق و یا بشهوت رانی تشویق کند.»

ماده ۱۵ قانون مطبوعات هشتم مرداد ۳۴ تقریظ بعضی اعمال جزایی را مانند یک

قسم تحريك غير مستقيم تلفى کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است .  
 ماده ۱۵ : هر کس بوسیله مطبوعات از جرائم مذکور در موارد فوق و یا مرتکبین آن اعمال بنحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند بجریمه نقدی از پنجاه هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم میشود .

ماده ۱۴ قانون مطبوعات فوق‌الذکر تحریص بارتکاب جنحه یا جنایت برضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت را در صورتیکه اثری بر آن مترتب نشود جرم مستقل محسوب کرده است . ماده ۱۴ : هر کس بوسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحاً بارتکاب جنحه یا جنایتی برضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد بمجازات معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود به یکماه تا سه ماه حبس تأدیبی به علاوه پرداخت دو هزار ریال تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد .

در قانون جزای آلمان بند مشهوری باسم « بند دوشسن (۱) » که از قانون مورخ ۱۸۷۵ بلژیک اقتباس شده وجود دارد . ابداع بند فوق از جهت بروز واقعه ذیل بود : شخص بلژیکی بنام دوشسن خود را معرفی کرد که بیسمارک را بقتل برساند . در اثر این واقعه ، قانون ، تحريك غير مؤثر را برای ارتکاب جنایت و عمل عرضه و قبول آنرا جرم خاصی محسوب داشته و قابل مجازات دانسته است . اگر عرضه شفاهی باشد باید توأم با هدیه و یا وعده باشد .

ب - دستور - طریقه دوم معاونت قابل مجازات عبارت از دستوری است که شخص بدیگری میدهد البته مقنن فرض کرده که معاون عالماً عامداً مبادرت بدادن دستور میکند .

ج - تهیه وسائل - مورد سوم معاونت ، تهیه وسائل است بنا بر این اسلحه فروشی که اسلحه فروخته و میدانه خریدار میخواسته آنرا برای قتل دشمن خویش بکار برد ، پس از وقوع قتل اگر هم در آن ذینفع نباشد بعنوان معاون مجازات میشود .

قانون ۱۹۳۹ در خصوص تحريك بر اسقاط جنین ، عمل فروش ادویه و توزیع آنرا در صورتیکه فروشنده و موزع واقف باشند که ادویه مذکور برای سقط جنین

بکار خواهد رفت قابل مجازات محسوب داشته است . بواسطه میل شدیدی که قضاة در ابراز عکس العمل بر ضد بلیه خانمان سوز سقط جنین دارند از این قبیل معاونت تفسیر موسع نموده اند مثلاً اگر کسی نشانه قابله را به زنی که میخواهد جنین خود را اسقاط نماید بگوید و بمادر اجازه دهد که از طرف او خود را به قابله معرفی کند محاکم فرانسه او را معاون تهیه و سائل ، تشخیص داده اند و قابل تعقیب دانسته اند

در معاونت تهیه و سائل لازم نیست که روابط مستقیم و فوری بین مجرم اصلی و معاون وجود داشته باشد . کسی که اطلاعات لازمه یا وسائل ارتکاب جنایت را به مجرم میدهد ممکن است از شخص ثالثی کسب کند؛ شخص ثالث هم اگر بگریبان کار واقف باشد معاون تلقی میشود و نتیجه آن این است که معاون معاون را هم میتواند مجرم دانست . قانون مجازات عمومی ایران در ماده ۱۸۱ و ماده ۱۸۳ اشخاصی را که موجبات سقط حمل زنی را فراهم مینمایند مجازات میکند . ماده ۱۸۲ اقدام زن را در سقط جنین چنانچه در نتیجه امر شوهر باشد قابل مجازات ندانسته است . ماده ۱۸۲ : زنی که عالماً بدون اجازه طبیب راضی بخوردن ادویه یا ماکولات یا مشروبات یا استعمال وسائل مذکوره شده یا تمکین از آن وسائل کرده و باین واسطه حمل خود را ساقط کرده باشد مجازات او از یکسال تا سه سال حبس تادیبی است و اگر این اقدام زن در نتیجه امر شوهر خود باشد زن از مجازات معاف و شوهر به مجازات مذکوره محکوم خواهد شد .

د - کمک و دستیاری - طبقه چهارم معاونت کمک و دستیاری است ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی در بند ۳ تهیه و سائل و کمک را بنحویذیل پیش بینی کرده است :

۳ - کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا بهر نحو با مباشر جرم کمک کرده اند .

معاونت از راه تحریک و دستور و تهیه و سائل ، قبل از مباشرت مجرم اصلی بارتکاب جرم بوقوع میبویند ولی معاونت از راه کمک و دستیاری ممکن است قبل از عمل و یا مقارن آن صورت گیرد .

چنانچه معاونت متقارن با جرم ارتکابی باشد ، موضوع دقیقی که حل آن قابل

اهمیت است تشخیص معاون از مجرم اصلی است. عده‌ای پیشنهاد کرده‌اند آنکه نفع مستقیم و فوری دارد مجرم اصلی و آنکه نفع غیرمستقیم دارد معاون تلقی شود. این ضابطه مورد قبول واقع نشده است زیرا با نظر مقنن فرانسه و ایران تطبیق نمی‌کند و بهترین دلیل آن وضع مجرم در نظر قانون جزای ایندو کشور است. با اینکه مجرم پیوسته نفع مستقیم دارد معذک قانون ایندو کشور او را معاون تلقی کرده است. راه حل قابل قبول این است که مجرم اصلی کسی شناخته شود که عمل ارتكابی او جزء تعریف قانونی جرم محسوب شود و یا لااقل برای اجراء آن ضرورت داشته باشد. مثلاً اشخاصیکه چیزی را در دهان کسی فرو می‌برند که مانع فریاد او شوند و طنابی را که باید بوسیله آن مجنی علیه خفه شود بدست عامل می‌دهند تماماً شرکاء جرم محسوب می‌شوند؛ برعکس اگر کسی در خارج کمین کشد و آمدن پاسبان را ملاحظه باشد او را معاون مینامند.

رویه قضائی فرانسه بعللی که بعداً ذکر خواهیم نمود در اعمال ضابطه فوق‌الذکر مفهوم شرکاء را بسط و توسعه داده است مثلاً در دعوائی عنوان شرکاء با شخصی داده شده که با شخص حامل علامت و شعار ممنوع از طرف قانون در حرکت بوده‌اند.

ص - اخفاء - آخرین طریقه معاونت اخفاء است که یا متقارن و یا مؤخر بر ارتکاب جرم است در فرانسه مقنن جرم اخفاء را جرم جداگانه محسوب داشته است؛ در گفتار چهارم این بخش علل آنرا ذکر خواهیم نمود.

بحث انتقادی از بند دوم ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی ایران - قانون مجازات عمومی ایران در بند ۲ از ماده ۲۸ یکی از موارد معاونت را تبانی اشخاص بر ارتکاب جرم قرار داده است. بند مزبور چنین مقرر میدارد:

و کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و بواسطه تبانی آنها آن جرم واقع میشود، معنای بند فوق‌الاشعار این است که دو نفر یا بیشتر توافق نمایند جرمی را مرتکب شوند و بواسطه مواضعه و مساعی آنها آن جرم واقع شود.

همانطوریکه سابقاً اشعار داشتیم یکی از شرایط معاونت در جرم، توافق یعنی تبانی در ارتکاب جرم است ولی صرف تبانی و مواضعه هیچگاه موجب نمیشود که کلیه

تبانی کنندگان معاونین در جرم محسوب شوند زیرا اگر اعمال تبانی کنندگان برای ارتکاب جرم از لحاظ اهمیت یکسان باشد تمام آنها شرکاء در جرم یعنی مجرمین اصلی محسوب میشوند برعکس اگر اعمال ارتکابی آنان از لحاظ اهمیت متفاوت باشد یعنی بعضی از آن اعمال از نقطه نظر اجراء، اصلی و برخی فرعی باشد در این صورت عمل آنکه مهمتر است مجرم اصلی و سایرین معاونین جرم تلقی میشوند.

بنابر مراتب بالا مقنن در احصاء مواضع در حدود موارد حتمی معاونت دو چار اشتباه شده است. صرف تبانی موجب معاونت شخص نمیشود بلکه یکی از شرایط آن است. اگر این شرط با سایر شرایط معاونت جمع شود واجدین آن معاونین در جرم محسوب میشوند والا تمام شرکاء اصلی تلقی میگردند.

## گفتار دوم

### مجازات معاونت

اصل - اصل کلی ماخوذ از ماده ۵۹ قانون جزای فرانسه این است که «معاونین جنایت و یا جنحه بهمان مجازاتی که برای مجرمین اصلی معین شده محکوم میگردند مگر در مواردیکه قانون طور دیگر مقرر داشته باشد». قانون مجازات عمومی ایران در ماده ۲۹ محکمه را متخیر ساخته که معاونین مجرم را بهمان مجازاتی که برای شریک مجرم مقرر است محکوم نماید و یا مجازات را از یک الی دو درجه تخفیف دهد.

رویه قضائی و علمای حقوق فرانسه از ماده ۵۹ که اصل تساوی مجازات را نسبت به مجرم اصلی و معاون جرم اعلام میدارد فرض علمی بسیار دقیق دائر بر «استعاره مجرمیت اصلی از طرف معاون» بنا نهاده اند.

تساوی مجازات مجرم اصلی و معاون او - لازم است معنای حقیقی تساوی مجازات مندرج در ماده ۵۹ و ۲۹ تشریح و تصریح گردد.

ظاهر ماده ۲۹ چنین مینماید که هر گاه قاضی معاون جرم را مستحق تخفیف مجازات مندرج در ماده مذکوره ندانست برای اعمال مجازات مساوی به مجرم و معاون او باید عین مجازاتی را که برای مجرم اصلی تعیین مینماید بر معاون تحمیل کند مثلاً اگر مجرم اصلی به پنج ماه حبس تادیبی محکوم گردد عین همین مجازات باید برای معاون نیز تعیین شود. اتخاذ چنین نتیجه‌ای از ماده ۲۹ قانون مجازات عمومی ایران و یا ماده ۵۹ قانون مجازات فرانسه ظالمانه و ناصحیح است بعلاوه مخالف تمایلاتی است که در حقوق جزا نسبت به تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین حکمفرما میباشد. معنای تساوی در مجازات مندرج در ماده ۵۹ و ۲۹ این است که مجازات قانونی نسبت به مجرم اصلی و معاون او مشترك باشد و طبق متن قانونی واحد تعقیب و مجازات شوند



رعایت اصل تساوی مانع این نخواهد بود که تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین در حدودیکه از طرف قانون پیش بینی شده است انجام پذیرد مثلاً اگر دو نفر در اثر همکاری با اتهام سرقت ساده تحت تعقیب در آیند و یکی مجرم اصلی و دیگری معاون محسوب شود اگر محکمه تصمیم بگیرد که طبق ماده ۲۹ برای معاون مجازاتی معین کند که مساوی با مجازات مجرم اصلی باشد، مجازات تعیین شده باید در حدود مجازات پیش بینی شده در ماده ۲۲۷ قانون مجازات عمومی باشد. از طرفی میدانیم که مقنن برای سرقت ساده حداقل (دو ماه) و حداکثر (دو سال) مجازات معین کرده که قاضی باید میزانی را که مطابق عدالت تشخیص میدهد برای مجرمین تعیین کند بنابراین اگر در مورد مجرم اصلی سرقت، دو سال و برای معاون او دو ماه حبس تأدیبی معین کند برخلاف اصل تساوی رفتار نکرده است زیرا در هر صورت مجازات هر دو مجازاتی است که در ماده ۲۲۷ پیش بینی شده است.

بنابر مراتب فوق الذکر تخیری را که شق اول ماده ۲۹ قانون مجازات عمومی برای محکمه قائل شده موجب نمیشود که در تعیین کمیت مجازات محکمه مکلف باشد همان میزانی را که برای مجرم اصلی معین کرده است برای معاون هم تعیین کند بلکه میتواند برای مجرم اصلی حداکثر و برای معاون او حداقل مجازات پیش بینی شده در قانون را معین نماید.

با اینکه قانون فرانسه در تعیین مجازات برای مجرم اصلی و معاون اول و دوم رعایت اصل تساوی را اعلام داشته و قانون مجازات عمومی ایران حق تخیر بین مجازات مساوی و مجازات تا دو درجه تخفیف قائل شده معذک قضاء میتواند از کیفیات مخفیه استفاده کنند و مجازات را با مسئولیت حقیقی فرد فرد مجرمین تطبیق نمایند.

اعمال تخفیف پیش بینی شده در ماده ۲۹ قانون مجازات عمومی ایران گاهی مواجهه با مشکل میشود مثلاً اگر وزیری و رئیس دفتر او طبق ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی تحت تعقیب قرار گیرند مطابق این ماده مجازات متخلفین آن پنج الی ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی است حال اگر محکمه پس از رسیدگی تشخیص دهد که پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی برای رئیس دفتر که در فرض ما معاون در جرم محسوب

میشود زائد است و بخواهد از قسمت دوم ماده ۲۹ استفاده نماید مواجه با اشکال میشود زیرا معرومیت از حقوق اجتماعی آخرین درجه مجازات جنایت است و اگر محکمه بخواهد برای مجازات معاون تخفیف بیشتر قائل شود ناگزیر است معرومیت از حقوق اجتماعی را به حبس تأدیبی تبدیل نماید و اگر به چنین اقدامی مبادرت ورزد برخلاف ماده ۲۹ رفتار کرده است زیرا ماده مزبور فقط حق اجازه تبدیل درجه مجازات را داده و محکمه بجای تبدیل درجه نوع مجازات را تغییر داده است.

**تأثیر علل قانونی تشدید و تخفیف مجازات در مورد معاون - قبل از تعیین**  
تأثیر کیفیات مشدده و علل مخففه مجازات نسبت به معاونین جرم باید در مقام تعریف کیفیات و علل مزبوره بر آمد.

**تعریف -** کیفیات مشدده کیفیاتی است که بطور محدود از طرف قانون پیش بینی شده و قاضی را مجبور میکند که میزان مجازات را بیش از حد اکثر مجازات افزایش دهد از این قبیل است سرقت مقرون ببالارفتن از دیوار و شکستن حرز و سایر کیفیات مندرج در ماده ۲۲۲ قانون مجازات عمومی ایران. مجازات سرقت ساده از دو ماه تا دو سال است ولی مجازات سرقت موصوف یعنی مقرون به کیفیات مشدده فوق الذکر حبس دائم با اعمال شاقه است.

علل مخففه مجازات عبارت از اموری است که بطور محدود از طرف قانون معلوم گردیده و موجب میشود که قاضی مجازات مرتکب را از حداقل آن کاهش دهد. با توجه باین دو تعریف باید دید که کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه در وضع معاون جرم چه تأثیری دارد. برای پاسخ باین پرسش باید کیفیاتی که جنبه حقیقی دارند از کیفیات شخصی تفکیک گردد.

**الف - کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه حقیقی -** کیفیات مشدده و یا معذوریت های مخففه ممکن است جنبه حقیقی داشته یعنی موجود در امور خارجی باشد مانند بالا رفتن از دیوار و شکستن حرز که کیفیت مشدده برای سرقت و مانند تحریک که معذوریت مخففه برای جرح و ضرب تلقی میشود. کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه حقیقی بمعاون جرم تسری میکند. این حکم با عدالت نیز موافق میباشد.

نسبت به طبع معذوریت مخففه تحریک ، نظریه دیوان کشور فرانسه متفاوت بوده است گاهی آنرا یک معذوریت حقیقی و زمانی شخصی محسوب داشته است .

در کیفیات مشدده حقیقی که معاون جرم با آن توافق نکرده و یا از آن اطلاع نداشته چه تصدیق قضائی باید اتخاذ کرد؟ مثلاً شخصی در اقدام تبه کارانه‌ای که موضوع آن سرقت ساده است معاونت میکند ولی در اثناء ارتکاب ، مجرم اصلی ناگزیر به شکستن حرز که مجازات آن سنگین تر است میشود .

مسئول قرار دادن معاون در چنین فرضی شاید غیر عادلانه بنظر آید . بعضی از قوانین خارجی از این فکر الهام گرفته اند مانند ماده ۸۵ قانون جزای و نزو و ماده ۱ قانون جزای کوبا و ماده ۲۲ قانون جزای کلمبی . طبق این قوانین کیفیات مشدده مربوط باجرای مادی جرم و وسائل آن در صورتی موجب شدت مجازات میشود که مرتکبین از آن مطلع باشند . ماده ۱۱۷ طرح جدید قانون فرانسه نیز همین رویه را اتخاذ کرده است .

چون قانون جزای فعلی فرانسه در مورد فوق الذکر سکوت اختیار کرده نمیتوان معاون را اگر هم از آن بی اطلاع باشد غیر مسئول دانست . این نظریه را میتوان بر دلائل عقلانی منکی کرد زیرا در هر اقدام تبه کارانه ، فاعل اصلی جرم هم دستخوش اتفاقات و قضا و قدر واقع میگردد و مواعی حادث میشود که رفع آن موجب شدت عنصر مادی جرم و بالنتیجه مجازات مجرم میگردد . اگر درست تدبیر شود نمیتوان استدلال کرد چرا مجرم اصلی باید در رفع این موانع مسئول باشد ولی معاون از تحمل آثار آن رهایی یابد . ماده ۱۱۸ قانون جزای ایتالیا مؤید این نظریه است .

اگر گاهی قاعده تسری کیفیات مشدده حقیقی بر معاون جرم منتهی بر بیعدالتی میشود با توسل بر عایت کیفیات مخففه میتوان آنرا تعدیل کرد .

ب - کیفیات مشدده و معذوریت مخففه شخصی - کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه ممکن است جنبه شخصی داشته و به باره آخری در شخص عامل موجود باشد . این قبیل کیفیات شخصی تنها نسبت به کسی که واجد آن باشد مؤثر است و به شرکا دیگر سرایت نمیکند از این قبیل است کیفیات مشدده تکرار جرم و معذوریت حاصله از صغر .

ج - کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه که جنبه مختلط دارند -  
 کیفیات مشدده حقیقی که جنبه مختلط دارند عبارت از کیفیاتی است که در شخص وجود  
 دارد ولی نسبت به جرم انعکاس پیدا کرده و موجب شدت جنبه بیرونی آن شده و گاهی  
 هم وصف آنرا تغییر میدهد . مثلاً عنوان خادمیت در سارق مجازات سرقت را تشدید  
 میکند و طبع آنرا تغییر میدهد زیرا سرقتی که خادم مرتکب میشود با سرقت معمولی  
 فرق دارد .

کیفیات مشدده مختلط چون طبع جرم را تغییر میدهدند شبیه به کیفیات مشدده  
 حقیقی میباشند و بمثابه آن باید در وضع کلیه شرکا و معاونین ذی تأثیر باشند .  
 این نکته نیز باید تصریح گردد که اگر کیفیات مختلط تنها در شخص معاون  
 جرم وجود داشته باشد در نظر گرفته نخواهد شد بدین معنی که نسبت به هیچیک از  
 معاون و مجرم اصلی اثر نخواهد داشت . بنابراین اگر خادم شخص ثالثی را در سرقت  
 اموال منخوم خود کمک کند مجازات سرقت ساده برای هر يك از آنان معین خواهد شد .  
 در فرانسه مجازات قتل پدر که از طرف فرزند ارتکاب میشود شدیدتر از قتل  
 معمولی است . طبق این قاعده اگر فرزند کسی شخص ثالثی را که میخواند پدر او را  
 بکشد کمک کند مجازات هر دو مجازات قتل معمولی خواهد بود .

اگر مادری شخص ثالثی را که در مقام هتك ناموس دختر او بر آمده کمک کند  
 کیفیت مشدده موجوده در شخص مادر که در فرض ما معاون جرم محسوب میشود در  
 مورد او و مجرم اصلی بدون اثر است .

نظریات فوق منبث از این قاعده است که معاون جرم مجرمیت خود را از مجرم  
 اصلی استعاره میکند و بشخصه جرمی متوجه او نمیشود .

وجوه حل فوق الذکر که روی قاعده استعاره مجرمیت اتخاذ شده منطقی است  
 ولی اثبات آن از لحاظ عدالت گاهی دشوار است و بهمین جهت مقنن و قضاة اسنثائاتی  
 برای آن قائل شده اند مثلاً رویه قضائی ، کیفیت مشدده موجود در خادمی که برای  
 سرقت اموال منخوم خود شخص ثالثی را کمک کرده ، از معاون جرم به مجرم اصلی تسری  
 داده و مجازات هر دو آنها را تشدید کرده است .

عدم تأثیر کیفیات مشدده و معذوریت مخففه نسبت به معاون جرم در قانون مجازات عمومی ایران ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی در مورد عدم تأثیر کیفیات مختلط و شخصی بنحویزیر تنظیم گردیده است :

« اوضاع و احوال منحصراً بر تکب اصلی که موجب تغییر و صف یا موجب تخفیف و تشدید مجازات است نسبت به معاون جرم مؤثر نخواهد بود و همچنین هر گاه فاعل جرم بجهتی از جهات قانونی معاف از مجازات باشد معافیت او تأثیری در حق معاون مجرم نخواهد داشت . »

از این ماده بنحوی مستفاد میگردد که کیفیات مشدده و معذوریت هائی که جنبه مختلط و یا شخصی دارند نسبت به معاون جرم غیر مؤثر است. بنابراین اگر مطابق بند ۶ ماده ۲۲۶ مجرم اصلی مستخدم باشد و مال منخدم خود را بدزدد مجازات او شدیدتر از مجازات غیر مستخدم است. حال اگر کسی خادمی را در سرقت مال منخدم او کمک کند کیفیت مشدده موجود در عامل اصلی (خادم) نسبت به معاون جرم تأثیر ندارد و مجازات او باید طبق مجازات معاون جرم سرقت ساده معلوم گردد .

همین نظریه را ذیل ماده ۲۷ در مورد شرکاء جرم تأیید کرده است در این ماده مقنن مجازات شرکاء در جرم را که مسئولیت آنان مساوی است معین کرده است . ماده ۲۷ « هر گاه چند نفر مرتکب یک جرم شوند بنحویکه هر یک فاعل آن جرم شناخته شود مجازات هر یک از آنها مجازات فاعل است و اگر هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند بطریقیکه مجموع آنها فاعل آن جرم شناخته شوند شرکاء در جرم محسوب و مجازات هر یک از آنها حداقل مجازات فاعل مستقل است لیکن هر گاه نسبت بخصوص بعضی از شرکاء اوضاع و احوالی موجود باشد که در وصف جرم یا کیفیت مجازات تغییری دهد تأثیر در حق سایر شرکاء نخواهد داشت . »

قانون مجازات عمومی ایران نسبت به تأثیر و یا عدم تأثیر کیفیات مشدده حقیقی نسبت به معاون جرم ساکت است. آیا این قبیل کیفیات در سر نوشت جزائی معاون جرم مؤثر میباشد ؟

مقنن کیفیات مختلطه را که مرتکب از کیفیات حقیقی و شخصی است بطوریکه

فوقاً ملاحظه کردیم غیر مؤثر دانسته و این خود ممکن است اماره باشد بر اینکه در نظر او کیفیاتی که صرفاً جنبه حقیقی دارند مؤثر در مجازات معاون نمیباشند. بعلاوه چون محاکم ایران در تفسیر قوانین از اسلوب مضیق تبعیت میکنند شاید از جح باشد از سکوت قانون بنحوی استفاده شود که به نفع متهم منتهی گردد و در قضیه مورد بحث نفع معاون جرم در این است که کیفیات مشدده حقیقی موجود در عامل اصلی بر او منعکس نشود.

# گفتار سوم

## رژیم معاونت در حقوق جزای تطبیقی

فرض استعاره در حقوق خارجی - طریقه حقوق فرانسه راجع به معاونت قابل مجازات مبتنی بر ماده ۵۹ است و بطوریکه ملاحظه کردیم این ماده معاون را از لحاظ جرم و مجازات شبیه با مجرم اصلی دانسته است و روی این ماده رویه قضائی فرانسه اصل استعاره مطلق مجرمیت مجرم اصلی را از طرف معاون طرح ریزی کرده است . نتایج حاصله از این اصل را مخصوصاً آثار کیفیات مشدده و معذوریت های منخفیه و معایب آن و استثنائاتی که قائل شده اند بیان کردیم . در بعضی قوانین خارجی نیز این تشابه بین مجرم اصلی و معاون وجود دارد ولی علمای حقوق با شدت و سورت هر چه تمامتر بآن حمله کرده اند .

سیستم استعاره نسبی مجرمیت مجرم اصلی از طرف معاون - بعضی ها سیستم استعاره نسبی را بر سیستم استعاره مطلق ترجیح داده اند . در این سیستم مجازات معاون متناسب با مجرم اصلی است ولی میزان آن کمتر و عموماً تا یکدرجه کاهش یافته است . این سیستم که بکار یا و روسی (۱) طرفدار آن بودند در ماده ۶۴ قانون جزای ۱۸۶۷ بلژیک و بند ۴۹ قانون جزای آلمان و ماده ۶۴ قانون جزای ۱۸۸۹ ایتالیا و ماده ۳۰ قانون جزای ۱۹۳۶ کوبا و ماده ۲۰ قانون جزای ۱۹۳۶ کلمبی و غالب قوانین پیش بینی شده است .

در ۱۹۲۹ در آلمان قانونی راجع به مرتکبین اعمال باقهر و غلبه وضع شده که طبق آن محکمه مجاز است همان مجازاتی را که برای مجرم اصلی معین میکند برای معاون نیز تعیین کند .

در قانون جدید ۱۹۳۸ سوئیس در ماده ۲۵ تخفیف مجازات معاون اختیاری است . استدلالی که در رجحان سیستم استعاره نسبی میکنند این است که معاون جرم همانطوریکه تعریف آن اشعار دارد يك نقش فرعی بازی میکند و عادلانه است که نقش فرعی او در نظر گرفته شود .

استاد و ابر معتقد است که استعاره مطلق بر استعاره نسبی رجحان دارد زیرا در استعاره نسبی قاضی مجبور است مجازات معاون را کمتر از مجرم اصلی معین کند در صورتیکه ممکن است استحقاق چنین تخفیفی را نداشته باشد و عدم استحقاق معاون در تخفیف مجازات بیشتر در مورد مجرم کین آشکار میگردد زیرا مجرم در قانون فرانسه معاون تلقی شده و چون غالباً هم ابتکار در مجرمیت دارد مسئولیت حقیقی او بیشتر از مباشر است . حال اگر قاضی مجبور باشد طبق سیستم استعاره نسبی مجازات او را کمتر از مباشر جرم معین کند بر خلاف عدالت رفتار کرده است و اگر بخواهند سیستم استعاره نسبی را در فرانسه اختیار کنند باید قبلاً مجرم کین را از مقوله معاونین خارج نمایند تا سیستم استعاره نسبی مفید افتد . بعلاوه اگر معاون جرم استحقاق تخفیف را داشته باشد بدون قبول سیستم استعاره نسبی قضاة میتوانند با رعایت کیفیات مخففه مجازات معاون جرم را تا میزانیکه استحقاق دارد کاهش دهند . مقنن ایتالیا طبق ماده ۱۱۲ برای مجرم کین يك کیفیت مشدده اجباری قائل شده است . بعضی از قوانین خارجی مجرم کین را در مقوله مجرمین اصلی قرار داده اند از این قبیل است قانون جزای اتریش ( بند ۵ ) و قانون جزای ۱۸۶۴ سوئد ( فصل سوم بند ۱ ) و قانون جزای ۱۸۶۷ بلژیک ( ماده ۶۶ ) و قانون جزای ۱۸۹۶ بلغار ( ماده ۵۱ ) .

بعضی دیگر از قوانین خارجی مجرم کین را طبقه خاصی محسوب داشته اند و مجازات آنها را بهمان اندازه شرکاء در جرم تعیین کرده اند از این قبیل است قانون جزای ۱۸۷۰ اسپانیا ( ماده ۱۱ ) و قانون جزای ۱۸۷۵ شیلی ( ماده ۱۴ ) و قانون جزای ۱۹۲۶ ونزوئلا ( ماده ۸۳ ) .

قانون جزای ۱۸۷۱ آلمان از بین معاونین جرم مستفید از تخفیف ، مجرم کین را مجزی کرده است و برای آنها مجازات شدید قائل شده است . علمای حقوق ، مجرم کین



رانیز بدو دسته تقسیم کرده اند :

دسته اول اشخاصی هستند که معرک جرم ارتكابی میباشند .

دسته دوم فاعلین معنوی هستند که ذینفع اصلی در عمل ارتكابی محسوب میگردند و عامل بیخبر و عاری از هر گونه نیت سوؤر امانند گوی باز یچه قرار میدهند . فاعل معنوی مانند مجرم اصلی تلقی شده است . بعلاوه قانون جزای آلمان تخفیف مجازات را نسبت به معاونین و شرکت کنندگان فرعی اختیاری کرده است .

حقوق جزای شوروی طبق ماده ۱۲ قانون دول متحده ۱۹۲۴ راجع باصول اساسی سه قسم معاون پیش بینی کرده است :

۱ - معرک

۲ - کسیکه مجری يك قسمت از جرم ارتكابی است .

۳ - دستیار

آنکه يك قسمت را اجرا میکند مستقیماً مسئول جرم ارتكابی است . معرک وقتی مسئول است که فاعل جرم جزاء مسئول باشد . دستیار در صورتی مسئول میباشد که جرم انجام یابد . بعلاوه قانون جزای ۱۹۲۶ در ماده ۱۷ و ۱۸ برای معاون و هر شرکت کننده فرعی قائل به تخفیف اختیاری مجازات شده است و مسئولیت او به نسبت درجه پیشرفت اقدام تبه کارانه و شدت خطر اجتماعی مدرج میشود .

قانون جزای ۱۹۳۸ سوئیس در ماده ۲۵ تخفیف اختیاری مجازات را قبول کرده است .

آخرین عیب سیستم استعاره نسبی این است که اعمال آن خیلی دقیق و حتی در مواقعی که نتوان سهم مسئولیت هر يك از شرکت کنندگان را تعیین کرد مشکل میباشد مثلاً در مورد نزاع و زد و خورد نمیتوان مجرم اصلی را از مجرم فرعی تمیز داد و غالباً با تعیین مجازات متوسط بین مجازات قانونی مجرم اصلی و مجازات معاون رفع اشکال مینمایند . مجازات متوسط از قانون جزای ۱۸۸۹ ایتالیا سر چشمه گرفته است ولی در قانون جزای ۱۹۳۰ کشور مندوز کور بواسطه عدم تفکیک مجرم اصلی از معاون ، مجازات متوسط حذف شده است . لزوم اتخاذ این تدابیر ضعف سیستم استعاره نسبی را ثابت میکند .

سیستمی که معاونت را يك کیفیت مشدده تلقی میکند - سیستم قبول کیفیت

مشده برای معاونت با سیستمهایی که فوقاً شرح آن داده شد معارض نیست بلکه با آنها قابل جمع است. سیستم مزبور عبارت از این است که هر گاه جرمی از طرف چند نفر ارتکاب شود اجتماع آنها باید موجب کیفیت مشده شود و مجازات آنها را تشدید نماید. از این سیستم يك ایتالیائی با سم سیگله (۱) در کتاب خود بنام «فرض علمی تحقیقی معاونت» (۲) طرفداری کرده است. بنظر سیگله افراد هنگامی که برای ارتکاب جرم مشارکت میکنند خود را خطر ناک نشان میدهند. فعالیت تبه کارانه آنان در اثر اشتراك مساعی تسهیل میگردد و بهتر میتوانند وجبات فرار خویش را از عدالت مشترک فراهم نمایند. در این صورت لازم است آنها را بشدت هر چه نامتر مجازات کرد. مواضعه همکاری این اشخاص بیشتر ناشایستگی اخلاقی آنها هویدا میسازد. در بین اتفاق کنندگان اشخاصی هستند که فعالیت سایرین را اداره میکنند و آنها را تحت نفوذ خود قرار میدهند. بنظر سیگله دسته رهبران تبه کار که امیال و منویات خود را در اثر قوه نافذ که دارند تحمیل میکنند و دسته دوم که تحت نفوذ آنان قرار میگیرند هر دو برای جامعه خطر ناک میباشند. امروز و با نظر سیگله نسبت بدسته دوم موافق نیست. مشارالیه معتقد است شخصیکه تحت القاء فکر دیگران واقع میشود باید از اغماض برخوردار گردد. این فرض علمی تا اندازه ای در قوانین جزائی اجتماعی ممالک نفوذ کرده است. قانون جزای ۱۹۳۰ ایتالیا در ماده ۱۲ عمل تبه کارانه عده ای را که مواضعه کرده و جمعاً مرتکب جرم میشوند يك کیفیت مشده تلقی کرده است.

کنگره بین المللی مربوط بامور زندان که در واشنگتن انعقاد یافته تمنیات ذیل را اعلام داشته است:

« نظر با افزایش جرائمی که غالباً در اثر اشتراك مساعی مجرمین اعتیادی رخ داده و نظم اجتماعی را بمخاطره انداخته لازم است مشارکت در ارتکاب جرم را يك کیفیت مشده برای عمل ارتکابی تلقی کرد و بقاضی اختیار بیشتری اعطاء کرد که بتواند میزان مجازات را افزون کند.»

1- Sighele .

2- Théorie positive de la Complicité .

قانون مجازات عمومی ایران گاهی از این فکر تبعیت کرده است مثلاً طبق ماده ۲۲۶ سرقتی که بواسطه چند نفر ارتکاب میشود مجازات آن بیشتر از سرقت معمولی است و طبق ماده ۲۶۳ سرقت و یا قطع آب باغ و نخلستان در صورتیکه مرتکبین آن سه نفر یا بیشتر باشند مجازات آن بیش از موقعی است که از طرف فرد ارتکاب شود.

محاکم فرانسه در سرقت جمعی تنها برای شرکاء قائل به کیفیت مشدده بودند و معاونین را از این حکم خارج میکردند ولی بعداً در اثر بسط مفهوم شریک در جرم تا حدی نظریه بالا را اصلاح کردند.

استاد و ابرمعتقد است که در قوانین فرانسه کیفیت مشدده ناشی از اجتماع نباید عمومیت پیدا کند زیرا مجازاتی که از طرف مقنن ۱۸۱۰ وضع گردیده با مقایسه اخلاق و آداب زمانه بیش از حد لزوم شدید است و اگر برای جرم جمعی هم قائل به کیفیت مشدده شوند بیش از حدود انتظار عامه مجازات افزون خواهد گردید.

سیستمی که در آن معاونت جرم مستقلی محسوب میشود - سیستمی که در آن معاونت جرم مستقلی بشمار می آید با سیستم فرانسه بکلی متفاوت است در این سیستم هیچگاه صحبت از استعمار مجرمیت از طرف معاون جرم نمیشود سیستم مذکور قائم بر این فکر است که وقتی چند نفر مرتکب جرم میشوند به تعداد شرکت کنندگان، جرائم مستقلی بوجود میآید بنابراین تشخیص مجرمین اصلی از معاونین مورد ندارد و باید مسئولیت هر يك از شرکت کنندگان منفرداً مورد بررسی قرار گیرد. کیفیات مشدده و معذوریت های مخففه مربوط به بعضی از شرکت کنندگان نسبت بسایر شرکاء بدون اثر است.

در قرن نوزدهم فویرباخ (۱) و کارادرا (۲) و فن لیستز (۳) و بعضی نمایندگان مکتب تحقیقی طرفداران این سیستم بودند.

سیستم مزبور تا حدی در حقوق جزای اجتماعی نفوذ کرده است از جمله حقوق جزای ۱۹۵۲ نروژ از آن الهام گرفته است همچنین قانون جزای ۱۹۳۰ ایتالیا در ماده ۱۱۰ و مواد بعدی معاونین را از مجرمین اصلی تفکیک نکرده و تنها برای شریکی که شرکت او حائز اهمیت نباشد قائل به تقلیل مجازات شده است. همین رویه را قانون

جزای دانمارك اتخاذ کرده است .

واضعین طرح جدید حقوق جزای فرانسه يك قسمت از نتایج حاصله از این سیستم را قبول کرده اند. طبق طرح جدید کیفیات شخصی که موجب شدت و یا خفت و یا معذوریت مجازات میشود تنها نسبت به مجرمی که مربوط بساو میشود ملحوظ میگردد و کیفیات حقیقی نسبت به معاونی که از آن اطلاع داشته است مؤثر میباشد. برای اثبات رجحان سیستمی که در آن معاونت جرم مستقلی محسوب میشود دلایل ذیل را اقامه میکنند :

۱ - از نظر منفی نتایج زننده سیستم استعاره مجرمیت اصلی از طرف معاون « را گوشزد میکنند و متذکر میشوند که عدم مجازات محرك در صورت مؤثر واقع نشدن تحریک او فضااحت آمیز میباشد. بعلاوه در مواردیکه معاون و مجرم اصلی در زمان واحد اقدام بارتکات جرم مینمایند بسهولت نمیتوان وصف آنان یعنی معاونت و مجرمیت اصلی را از یکدیگر تمیز داد.

۲ - از نظر مثبت چنین استدلال میکنند که سیستم استعاره مبتنی بر فرض و تخیل است و ادعای اینکه مجرمین اصلی و معاونین ، مرتکب جرم واحد میشوند برخلاف حقیقت است زیرا شرکت کنندگان در ارتکاب جرم از لحاظ داعی و اعمال مادی که انجام میدهند از هم متفاوت میباشند .

سببش انتقادی سیستمی که معاونت را جرم مستقلی میداند - از لحاظ منطق و انصاف باید اذعان کرد که غالب انتقادات اقامه شده علیه سیستم استعاره مطلقه وارد است و این سیستم منتهی بر ظلم و بی انصافی میشود ولی نباید از خاطر دور داشت که در عمل این معایب با رعایت کیفیات مخففه تعدیل و اصلاح میشود .

یکی دیگر از انتقاداتی که بر سیستم استعاره میشود این است که هر يك از شرکت کنندگان واجد داعی خاصی میباشد و سیستم مزبور تمام آنها را بيك چشم مینگرد ولی طرفداران سیستم استقلال معاونت این اصل را فراموش کرده اند که داعی اساساً هیچ نقشی در تشکیل قانونی جرم ندارد .

مبنای اصل مستقل بودن معاونت در معرض انتقادات ذیل واقع میشود :

موافقین استقلال معاونت خصیصه اساسی ولا ینفک عمل تبه کارانه یعنی وحدت هدفی که تمام شرکت کنندگان تعقیب میکنند قبول ندارند در صورتیکه اگر عمل هر يك از شرکت کنندگان را منفرداً تجزیه و تحلیل کنند ممکن است عمل خطرناکی نباشد و بذاته آثاری بر هر يك از آن اعمال مترتب نگردد. وقتی میتوان از عملی قضاوت صحیح کرد که رابطه آنرا با سایر اعمال شرکت کنندگان مورد توجه قرار داد و این مسئله اساسی راسیستم معاونت مستقل منکر است. در این سیستم هر عاملی مانند آلت و افزار بیجان سایرین فرض شده و شخصیت فعاله او را در وجود آوردن جرم بطلاق نسبان می سپارند و بدین ترتیب هر عاملی را به تنهایی در ایجاد جرم ارتکابی کافی میدانند. بهین جهات مقررات طرح جدید قانون جزای فرانسه دائر بر نفی تسری کیفیات مشدده و یا میخفیه شخصی موجوده در یکی از مجرمین نسبت بسایرین قابل ملامت است. اگر معاون خادم سارق را مانند يك معاون سرقت معمولی مجازات نمایند مطابق انصاف نخواهد بود. مقررات بعضی از قوانین جدیده که درجات دقیقه مسئله را در نظر گرفته است رجحان بر قانون فرانسه دارد حقوق جزای ایتالیا در ماده (۱۱۱) چنین مقرر میدارد:

«کیفیات درونی که موجب شدت مجازات بعضی از شرکاء میشود بر سایر شرکائی هم که از آن وقوف نداشته اند تحمیل میگردد. قانون جزای ۱۹۳۶ کلمبی (ماده ۲۱) و قانون جزای ۱۹۳۷ مصر (ماده ۳۹) تحت قیودی تسری آثار کیفیات مشدده شخصی موجود در مجرم اصلی را بر معاون جرم قبول کرده اند مشروط بر اینکه معاون جرم از آن واقف بوده باشد در آخرین طرح حقوق جزای آلمان راجع به خصوصیات شخصی یکی از مجرمین چنین نگاشته شده است:

«اگر مجازات عملی تابع اوصاف و یا رابطه قضائی باشد و این کیفیات در یکی از شرکت کنندگان صدق کند سایر شرکائی هم که فاقد آن باشند مجازات میشوند. وجوه حل فوق الذکر ناقض مفهوم استقلال معاونت جرم میباشد و برعکس وحدت اقدامات تبه کارانه شرکت کنندگان مورد توجه مقنن قرار گرفته است معذک سیستم معاونت بعنوان جرم مستقل در حقوق اجتماعی مؤثر بوده و بعضی از قوانین يك دسته از شرکت کنندگان در ارتکاب جرم را از طبقه معاونین خارج کرده و بمثابه مجرمین مستقل مجازات میکنند از این قبیل است محرک و مخفی کننده.

## گفتار چهارم

### اخفاء

اخفاء در حقوق مدنی - مفهوم اخفاء را در موارد مختلفه اعمال کرده‌اند در حقوق مدنی فرانسه اخفاء در مورد وارث و شوهری که با متعلقه خود شریک المال است پیش بینی شده است. مخفی کننده در ارث عبارت از کسی است که من غیر حق تمام تر که و یا قسمتی از آنرا بخود اختصاص میدهد. قانون مدنی برای مرتکب آن ضمانت اجراء مخصوصی معین کرده است.

اخفاء جسد متوفی - اخفاء جسد متوفی طبق ماده ۲۰۵ قانون مجازات عمومی ایران جرم مستقلی محسوب شده است :

ماده ۲۰۵ : « هر کس جسد متوفائی را پنهان کند از یکماه الی شش ماه حبس خواهد شد و اگر جسد مقتولای باشد مرتکب طبق ماده ۱۷۸ مجازات میشود .  
اخفاء تبه کاران - اخفاء تبه کاران عبارت از پناه دادن آنان نزد خویش میباشد بنحویکه فعالیت جنایتکارانه آنان تسهیل گردد . ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی در این زمینه چنین مقرر میدارد :

« هر کس با مرتکبین جرائم مذکوره در ماده ۱۶۸ از روی عمد و اختیار مساعدت نموده و از برای آنها آلات و ادوات یا اسباب ارسال و مرسول و امکانات یا محل اجتماع فراهم کند محکوم به حبس تأدیبی از هشت روز تا ششماه خواهد گردید اشخاصیکه مرتکب یکی از جرائم مذکوره در این ماده و ماده قبل گردیده‌اند هر گاه قبل از هر گونه تعقیبی مقامات مقتضیه را از مواضعه و تشکیل اجتماع مطلع سازند از مجازات معاف میشوند . »

ماده ۱۲۳ در خصوص اخفاء مقصرین چنین مینگارد :

« هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم به

جنحه یا جنایتی است و قانوناً امر بدستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند بطریق ذیل مجازات خواهد شد :

هر گاه کسیکه فرار کرده محکوم با اعدام بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده باو در فرار حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم بحبس دائم یا موقت با اعمال شاقه بوده یا متهم بجرمی بوده که مجازات آن اعدام است محکوم بششماه الی دو سال حبس تأدیبی خواهد شد در سایر احوال مجازات از یکماه الی یکسال حبس تأدیبی است .

اشخاصیکه با اطلاع از وقوع جنایت یا جنحه برای مجرم منزل تهیه میکنند طبق ماده ۱۲۴ بنحو ذیل مجازات میشوند :

هر کس از وقوع جنایت یا جنحه مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند یا اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند که عالم بعدم صحت آن باشد بترتیب ذیل مجازات خواهد شد :

هر گاه جرم مجرم مستلزم حبس با اعمال شاقه یا حبس مجرد باشد جزای مرتکب از یکماه الی یکسال حبس تأدیبی خواهد بود - در سایر احوال از یکماه الی ششماه بحبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

اشخاص ذیل از مجازاتهای مذکوره در این ماده و ماده قبل معافند :

زوج و زوجه هر چند مطلقه باشد .

پدر و مادر و اجداد .

ارلاد و احفاد برادران و خواهران و اشخاصیکه با مجرمین قرابت نسبی یا

سببی تا درجه سوم دارند .

بطوریکه ملاحظه میشود مواد فوق الذکر اخفاء را جرم مستقلی تلقی کرده

است ولی مواردی در قانون مجازات عمومی یافت میشود که مخفی کننده با مرتکب

عمل اصلی شریک در جرم محسوب میشوند مانند ماده ۳۱۳ قانون دادرسی و کیفر

آرتش که طبق بند ۳ مخفی کننده جاسوس را جاسوس دانسته است ماده ۳۱۳ :

و اشخاص مشروطه باین جاسوس شناخته شده با اعدام محکوم میشوند ...

۳ - هر کس که جاسوسان یا افراد دشمن را که برای اکتشاف مأمور باشند عمداً مخفی نموده یا سبب اختفاء آنها گردد .

اختفاء اشیاء در قانون فرانسه - اختفاء اشیاء عبارت است از اینکه شخصی تمام یا مقداری از اشیائی را که در اثر سرقت و یا کلاهبرداری و یا خیانت در امانت و یا سایر جنایات و جنحه ها بدست آمده نزد خود نگاهدارد .

قبل از اینکه مجازات اختفاء را مورد بحث قرار دهیم لازم است عناصر تشکیل دهنده آنرا معلوم نمائیم . از لحاظ عنصر مادی لازم نیست که اختفاء متضمن کتمان باشد بلکه کافی است مخفی کننده اشیائی را که در اثر جنایت و یا جنحه حاصل شده نزد خود نگاهداری کند .

از لحاظ عنصر معنوی عامل اختفاء باید اطلاع داشته باشد که اشیاء مخفی شده در اثر ارتکاب جرم حاصل شده است . چون جرم اختفاء جرم مستمر محسوب میشود و بمباراة آخری مباشرت در ارتکاب آن تا وقتی که شیئی در تصرف مخفی کننده باقی است ادامه دارد اطلاع مزبور باید در تمام لحظات فعالیت تبه کارانه حتی روز دریافت اشیاء وجود داشته باشد . اگر مخفی کننده در بدایت امر خالی الذهن باشد و بعدها از کیفیت تحصیل شیئی واقف گردد و با وجود آن ، اشیاء مزبوره را در تصرف خود نگاهداری قابل تعقیب نخواهد بود . دیوان کشور فرانسه برخلاف این نظریه رأی داده و برای تعقیب مخفی کننده اطلاع او را از طبع و تاریخ و محل وقوع جرم و مرتکبین آن لازم ندانسته است .

میل قضاة را در بسط مفهوم قانونی اختفاء از تدقیق در تعیین شیئی که موضوع اختفاء واقع میشود بخوبی میتوان فهمید زیرا بنظر آنان لازم نیست که شیئی ربوده شده مادهٔ همان باشد که مستقیماً از ارتکاب جرم حاصل شده است بلکه اگر شیئی ربوده شده فروخته شود و قیمت آن نگاهداری گردد جرم اختفاء تشکیل میشود . بعلاوه لازم نیست که مخفی کننده اشیاء را برایگان بدست آورد بلکه اگر هم آنرا خریداری کند قابل تعقیب است . قضاة در قبول دلائل مربوط به پیدایش آن زیاد باریک بینی از



خود نشان نمیدهند مثلاً یکی از محاکم استفاده کننده از وجه چکی را که شخص کلاه برداری به حساب جاری خود حواله داده و در اثر کلاهبرداری او حساب جاری مزبور افزون گردیده بوده مخفی کننده محسوب داشته است. این تصمیم ظاهراً با قاعده غیر قابل تجزیه بودن حساب جای سازگار نمیباشد.

تمایلات قضاة در بسط مفهوم و معنی اخفاء ناشی از نقش گمراه کننده‌ای است که مخفی کننده در فعالیت تبه کارانه خویش بازی میکند.

**اخفاء بعنوان معاونت جرم در قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه** - در تدوین نخستین قانون جزای ۱۸۱۰ اخفاء اشیاء معاونت در جرم تلقی گردیده بود و مرتکب آن بهمان مجازات جرم اولی محکوم میشده است و تنها استثناء آن در موردی بود که مجازات مجرم اصلی اعدام باشد. در چنین صورتی مجازات مخفی کننده حبس دائم با اعمال شاقه بود.

سیستم قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه دائر بر معاونت دانستن جرم اخفاء دارای معایب زیر بود:

۱ - مجرم اصلی جنحه ارتكابی و مخفی کننده اشیاء حاصله از آن بیک مجازات محکوم میشدند و مجازات آنها عبارت بود از حبس تأدیبی و جریمه جزای مالی. این مجازات غالباً در خور مخفی کنندگان نبود و مؤثر واقع نمیگردید زیرا مخفی کنندگان از یک طبقه اجتماعی تشکیل میشدند که بادهسته تبه کاران و سارقین معمولی تفاوت داشتند.

این طبقه متشکل بودند از اشخاص حرفه‌ای خطرناک که ثروت و دارائی زیادی در دست داشتند و مجازات مالی مقرر از طرف قانون ۱۸۱۰ برای آنان حائز اهمیت نبود و سزاوار بود مجازات مالی بیشتری بر آنان تحمیل گردد.

۲ - سیستم قانون سابق که اخفاء را معاونت محسوب داشته بود بِنفع مخفی کننده منتهی میشد مثلاً در مورد مرور زمان چون مخفی کننده معاون تلقی میشد مبداء مرور زمان جرم از روز ارتكاب آن احتساب میگردد در صورتیکه ممکن بود عمل اخفاء مدت مدیدی پس از جرم اصلی بوقوع پیوندد. چون برای مخفی کننده لحظه خطرناک موقوف فروش اشیاء مخفی شده میباشد، برای احتراز از خطر سعی میکرد پس از حصول مرور زمان بجرم اصلی اقدام بفروش نماید.